سیری در تاریخ هنر و معماری باستان

رهبرگنجه، تورج

تورج رهبر گنجه‏ ما در عصری شگفت انگیز و سرشار از اسرار و رمز و راز زندگی می‏کنیم.تا مدتی پیش بیشتر متمدنین بر این تصور بودند که عالم در سال 4004 پیش از میلاد مسیح(ع)به وجود آمده،اما این عقیده کم کم رو به زوال‏ گراییده است.اکنون پژوهشگران بر این عقیده‏اند که‏ زمین حدود 000/000/2000 سال قبل وجود داشته است.در این دوره کرهء زمین پر از حیوانات‏ عظیم الجثه‏ای چون ایکتوزوروس،(1)مگالوزوروس(2)و برونتوزوروس(3)بود اما در این میان ناگهان حیوانی به‏ نام انسان از میان سلسلهء نامتناهی این حیوانات قد علم‏ نموده و در پرتو عقل و شعور سرنوشت نوع خود را به‏ دست می‏گیرد.این حیوان پستاندار در تهیهء منزل و غذا بر تمام حیوانات دیگر تفوق و برتری محسوس داشت.

دو پای جلو را برای گرفتن طعمه به کار می‏برد و کم کم‏ بر اثر مشق و تمرین فراوان کف دو پا به صورت چنگال‏ در آمد و با زحمت توانست بر روی دو پای عقب ایستاده، اعتدال خود را حفظ نماید که به زمین نیفتد.

اما نخستین آثار مربوط به بشر از کجا به دست آمده، و متعلق به چه نوع انسانی بوده است؟!اولین آثاری که‏ از انسان واقعی به دست آمده مربوط به سی هزار سال‏ پیش است که بیشتر آنها متعلق به رد پای انسان غربی‏ به ویژه فرانسویها و اسپانیاییهاست.این آثار و اشیاء- که قدیمترین یادگار اجدادی ماست-عبارت است از سنگهای تیز شده،استخوانهای تراشیده و نقاشی روی‏ در و دیوار غارهایی چون غار«فون دوگم»در فرانسه و «لاسکو»در اسپانیا.و چون هنوز قسمت عمده آسیا و آفریقا از این لحاظ مورد توجه علمای تاریخ طبیعی‏ نبوده بنا بر این نمی‏توان منشأ ظهور اولیهء انسان را اروپا آن هم اروپای غربی بدانیم.اما می‏توان گفت که با اطلاعات به دست آمده قدیمیترین نقاطی که در آنها اولین آثار انسانی کشف گردیده اروپای غربی بوده و به‏ نظر می‏رسد که دنیای جدید یعنی آمریکا تا اواخر عصری که آن را عصر حجر قدیم یا پالئولتیک می‏نامند از برکت این تمدن اولی محروم و بی‏بهره بوده است.یا به عبارت دیگر تمدن آمریکا از تمدن آسیای شرقی نیز وام گرفته است.

بزرگترین اقدام تاریخی بشر همانا سکونت در نقطه‏ای است که نقطه آغازین شهرنشینی گردید و طبق آمار و اطلاعات موجود بین 12000 تا 15000 سال پیش از میلاد در جنوب اسپانیا و شمال آفریقا و آسیای غربی یعنی اطراف دریای مدیترانه طوایفی از بشر بوده که به کشت و کار زراعت و تربیت انواع‏ حیوانات پرداخته‏اند و بافتن سبد و پارچه و ساختن‏ اقسام ساده‏ای از ظروف سفالین را نیز می‏دانسته‏اند.

چون این طوایف صیقلی کردن سنگ را برای تهیه‏ اسلحه و دیگر مصالح زندگی شناخته بودند،این عصر را عصر سنگ صیقلی نیز نام نهاده‏اند و آن را اولین‏ عصر تمدن بشری به شمار می‏آورند که در حدود 000/10 سال پیش از میلاد بوده و اکثر طوایف نوع‏ بشر در این مرحله از تمدن وارد شده و یا به عبارت‏ دیگر تمامی تمدنهای شکوفا شدهء امروزی این مراحل‏ را طی و سپری نموده‏اند.ما در اینجا از سه دوره‏

مشخص هنر پیش از تاریخ سخن به میان خواهیم آورد. 1-هنر دوره پالئولتیک؛(4)2-هنر دوره‏ آنئولتیک(5)،3-هنر دوره نئولتیک؛(6)

هنر دورهء پالئولتیک

اصطلاح واژهء پارینه سنگی یا " cihtiloealaP "در قرن نوزدهم میلادی برای اطلاق به عصر حجر مورد استفاده قرار گرفت.در این دوران ادوات سنگی به‏ طریق ابتدایی و خشن و بدون صیقل ساخته می‏شد.به‏ زودی تقسیمات بیشتری برای این دوران در پژوهشهای‏ باستان‏شناسی محسوس گردید.

در دنیای قدیم(آفریقا-لوانت-اروپای غربی و شبه‏ قاره هند)دو گروه ادوات سنگی به دست آمده که‏ دسته اول ساده و خشن از نوع«اولدوان»و دسته دیگر ادوات دو طرفه سنگی مثل تبرهای دستی و تیشه‏های‏ سنگی هستند.بحث هنر دوره پالئولتیک به طبع به‏ علت گستردگی آن و نیز کاوش اندک آن چنان قابل‏ اعتماد برانگیز نبوده و نیست اما در حد امکان به توضیح‏ آن خواهیم پرداخت.

گر چه آثار این دوره مربوط به هزاران سال پیش از میلاد مسیح(ع)است اما یکی از نخستین آثار این دوره‏ کشفیاتی است که در سال 1878 م در شل) LEHS ( نزدیک پاریس به دست آمده است که همراه با بقایای‏ حیواناتی همچون«هیپو توتام»(7)و«رینو سروس»(8)و... بود.صنایع این دوره شامل«آمیگدال‏ها»(9)-سنگهایی‏ که با کوبیدن آنها بر روی تخته سنگی بزرگتر و سخت‏تر که جنبه سندان داشته آنها را به صورت بیضی‏ در می‏آوردند-و یا مثل«کوپ دوپو آن»(10)که به شکل‏ قلوه سنگ دندانه‏دار می‏باشند،اما در دوره«اشل» ) lehse (که هوا سردتر گردید انسان دوباره به غار پناه‏ برده و بیشتر آثار این دوره نیز در درون غارها یافت شده‏ است.البته لازم به ذکر است که نسلهای بیشماری از انسان ظهور کرد تا انسان توانست با یک سنگ چخماق‏ نوک تیز گاهی تصویری از یک حیوان را بر دیوار غار و دل صخره حک نماید.

بنا بر این در می‏یابیم که انسان در سرما به غارها و دخمه‏ها و کوهها پناه برده و به هنگام گرمی هوا در فضای باز و آزاد به حیات خود ادامه می‏دهد.

یکی از جالبترین نقوش حک شده،در غارهای‏ معروف«آلیسه»(11)و غار«تودو دوبر»(12)است که در حقیقت نگارخانه هنری این عصر به شمار می‏روند.

پس از اینکه از تعدادی گالری که اغلب دارای‏ استالاگمیت(13)و استالاگتیت(14)هستند،عبور کردیم در یکی از آنها نخستین آثار حکاکی روی دیوار مشاهده شد.در دیوار این غارها اشکالی از اسب- کرگدن-و دیگر حیوانات دیده می‏شود.حرکت آهستهء ماموتها یا گوزنها که با سرعت حرکت می‏کنند جالب‏ توجه است.نوع دیگر قبوری است که در سر زمین‏ پهناور ایران و در جزیره خارک کشف شده است و به‏ نوبه خود جالب توجه است.این قبرها از تخته‏ سنگهایی به طور 1\*70/1\*70/2 متر ساخته شده‏اند که با دو تخته سنگ بزرگ به شکل ضربی که سر به سر یکدیگر داده‏اند،پوشانده شده‏اند.نظر به اهمیتی که‏ این قبور در روزگار پیش از تاریخ داشته در حد امکان‏ سعی شده است که پوشش گورها از سنگهای یکپارچه‏ بزرگ تهیه شود.به گونه‏ای که هر یک از سنگهای‏ مذکور 4/2 متر طول و 30/1 متر پهنا دارند.

شکل پوشش این قبور در خور دقت و توجه است چه‏ انتساب آنها را در یک دوره معین با اقوام ایرانی را نشان‏ می‏دهد.باستان‏شناسان بر این باورند که این قبور تقریبا شبیه دو نوع قبور«دلمن»و«من هیر»هایی‏ هستند که در اروپای غربی بین 25000 تا 1500 سال پیش از میلاد در کشورهای بریتانیا،ایتالیا، فرانسه و یوگسلاوی و حتی ایران گسترش یافته است. هر چند که شکل گورهای جزیره خارک با دلمن‏ها و من هیرها تفاوت دارد و آن را از نوع قبور سنگی‏ می‏دانند اما سؤال اینجاست که همان طور که‏ باستان‏شناسان بر این اعتقاد و باورند که این نوع قبور (دلمن-من هیر-تریلیت و قبور سنگی خارک)ریشه‏ در اعتقادات مذهبی داشته‏اند اما به راستی چه‏ مذهبی و چه نوع اعتقادی این چنین در پهنه گسترده‏ تاریخ و به وسعت عظیم جغرافیایی انتشار یافته است؟! به این گونه سؤالات فقط کاوشهای علمی‏ باستان‏شناسی در آینده می‏تواند پاسخ دهد.

آلبر ماله و ژول ایزاک در کتاب«تاریخ ملل شرق و یونان»درباره دلمن‏ها و من هیرها چنین آورده‏اند.

انسان از ازمنهء ما قبل تاریخ در اوانی که عهد سنگ‏ صیقلی را می‏پیموده آثاری بر افراشته که تا امروز نیز بر پا بوده و عبارت از سنگهایی است نتراشیده که‏ بی‏ترتیب و جا به جا نصب گردیده و چون در خاک‏ بروتانی(15)به حد وفور وجود دارد به زبان اهل آن‏ محل به نام من هیر و دلمن معروف شده است.

من هیرها سنگهای جسیمی بودند که چون ستون‏ اما بدون شکل بر سر پای ایستاده و مشخص نیست چه‏ استفاده‏ای از آنها می‏شده،دلمن یا«میز سنگی»مقبره‏ بوده و برای ساختن آن چند سنگ را بر پای داشته و چند سنگ مسطح را روی آن می‏خوابانده‏اند.دلمن و من هیرهای زیادی را می‏توان در فرانسه و انگلستان و نیز تمام اروپا و آفریقای شمالی و آسیا،حتی‏ هندوستان و ژاپن نیز یافت.

سخن اینجاست که من هیرهای جسیمی که به‏ وسیله انسان آن روز بر پای داشته شده،نیز قطعا جنبه‏ مذهبی داشته و نمی‏توانسته بدون هدف و اعتقادی‏ توسط انسانها،آن هم در چنان وسعت جغرافیایی ایجاد گردد.و جای تعجب است که ایزاک و ماله دلمن را میز سنگی(مقبره)نامیده ولی از استعمال من هیرها اظهار بی‏اطلاعی می‏کنند.هر چند که دامنهء کاوشهای‏ باستان‏شناسی این دوره نئولتیک وسیعتر از دوره پیش‏ بوده و در نتیجه کشفیات آن نیز بیشتر می‏باشد ولی‏ چنانچه انسانهای عصر نوسنگی از ابزار آلات دیگری‏ نیز غیر از سنگ استخوان عاج استفاده نموده باشند آیا می‏توان این چنین استنباط نمود که با آگاهی از خواص آن از آن استفاده کرده‏اند؟حال آنکه انسانهای‏ عصر نوسنگی اولین نوع مس را به صورت«طبیعی» استفاده می‏کردند.

با کشفیاتی که از سوی بوریس لاویچ در ناحیهء «وینجا»ی یوگسلاوی صورت گرفت،استفاده از سنگهایی مشاهده گردید که در آنها مس بیشتری‏ وجود داشته است.از آنجا که برای ذوب آن یازده هزار درجه لازم است بنابر این با آن امکانات اولیه چنین‏ امری امکان‏پذیر نبوده است.اما شش هزار سال پیش‏ از میلاد انسانهایی که در اینجا زندگی می‏کردند توانسته‏اند مس را ذوب کنند.هر چند لاویچ نتوانسته‏ چگونگی ذوب آن را بیان کند و دلیلش نیز شاید عدم‏ مدارک کافی به دست آمده در حفاری باشد،اما در حفریات علمی خویش اشکال زیبایی از مس به صورت‏

دفاع انسان از خود در برابر حیوانات وحشی‏ تبر و تبرزین و دیگر ابزار به دست آورده است،بنابراین‏ این امر تأیید کنندهء وجود فن ذوب مس در اروپای‏ شرقی می‏باشد.ولی چنانچه دامنهء این کاوشها در اروپای شرقی و حتی آسیا گسترش یابد می‏توان پرده از ابهامات بیشتری در این جهت برداشت و تمامی‏ نظریاتی که بیانگر حضور انسان اولیه در اروپای غربی‏ است را زیر سؤال برد.

البته آنچه که به طور یقین می‏توان بدان اشاره نمود کار برد تپ منیرها و تریلیت‏هاست و ریشهء آن را باید در اعتقادات مذهبی مردم آن عصر جست و جو کرد و حتی می‏توان گفت:در شمال مشکین شهر در آذربایجان سنگهایی به صورت افراشته(مثل تپ‏ منیرها)در کنار هم چیده شده که بیانگر تفکر مذهبی‏ مردمان آن عصر است.در کنار عماری مقبره‏ای‏ تریلیت‏ها(16)و تپ منیرها(17)به معماری مقبره‏ای‏ دلمن‏ها نیز می‏توان اشاره نمود که از سنگهای بزرگ و افقی و بر افراشته تشکیل شده است.

اما مسأله مهم این است که به راستی چه ارتباطی‏ بین معماری اولیه مقبره‏ای و سنگهای افراشته شده‏ مشکین شهر وجود دارد.هر چند که مورخین و باستان‏شناسان علل ظهور و منشأ آن را در اعتقادات‏ مذهبی مردم آن اعصار می‏دانند؟!اما به نظر نگارنده‏ این عقیده که تنها عامل مذهبی موجب پیدایش و ظهور این معماری شگفت‏انگیز گردیده است نمی‏تواند پاسخ سؤال ما باشد.چرا که اگر چنین نیز بپذیریم چرا این عامل مذهبی فقط در چند نقطه از جهان حضور داشته و در بین قبایل و ملل دیگر رسوخ نکرده است.و ضمنا اگر ارتباطی نیز بین معماری اروپا چون برتانی‏ فرانسه و...تپ منیرهای مشکین شهر ایران وجود دارد چرا این عامل مذهبی موجب رشد و گسترش آن نشده‏ است.به هر حال این گونه پرسشها نیاز به پاسخ صریح‏ پژوهشگران خواهد داشت؟

دقت در طرز قرار دادن آنها به شکل موازی و ردیف‏ هم و یا دایره‏ای شکل فعالیت غیر قابل تعریف و خارق العاده انسان را نشان می‏دهد.در«تریلیت‏ها» تناسب بین پایه و پوشش روی آنها بیشتر به دلیل حس‏ وزن و سنگینی است ولی در آنها قوانین حساسیت‏ استتیکی(18)نیز مشاهده می‏شود.به طور کلی‏ تریلیت‏ها پایه و اساس معماری قدیم را تشکیل‏ می‏دهند.بن اتن دلمن را به صورت زیر تعریف‏ می‏کند.

«یادگار و بنایی است که از سنگهایی تشکیل شده که‏ به قدر کافی بزرگ باشد تا بتواند چندین قبر را در خود جای دهد.و از تعداد بلوکهای خشن سنگ که به طور افقی به وسیله دو پایه نگه داشته شده‏اند،در حقیقت‏ مسأله اصلی و عمده دلمن مانند تریلیت‏ها تعریف فضا و محدود ساختن فضا نیست بلکه مفهوم پوشش آن‏ است مبدأ و منشأ معماری مستقیم الخط(یونان و مصر) را از تریلیت می‏دانند.در حالی که دلمن مبدأ معماری‏ منحنی الخط(شرق و روم)باستان است.عصر نئولتیک‏ را می‏توان فرهنگ«مادر»دانست و این موضوع اهمیت‏ فوق العاده آن را نشان می‏دهد.

هنر دورهء آنئولتیک:

نام تمدن برنز به طور کلی به تمام فرهنگهایی داده‏ می‏شود که در اوایل پیدایش این آلیاژ وجود داشته‏اند. عصر برنز در مصر از دورهء سلسلهء فراعنه بوده است.در بین النهرین در زمان سومریها در جزیره کرت همزمان‏ با ساختمان قصرهای معظم و بزرگ برای‏ آتروسک‏ها(19)و ظهورشان در ایتالیا بوده است.

باستان‏شناسان کوشیده‏اند برای این صنعت جدید محل نشو و تولدی پیدا کنند.برخی آن را در ارمنستان‏ می‏دانند و سرزمینی مملو از معادن فلز و چوب که برای ذوب آن می‏توانسته به کار رود.ترکمنستان نیز از این‏ نظر با ارمنستان رقابت می‏کنند.

دمرگان آثار بسیاری در این ناحیه کشف کرده است‏ که همواره با سرامیکهای مزین به نقوش هندسی است‏ و انسان را به یاد سرامیک شوش در ایران می‏اندازد.

در روسیه تمدن این دوره ظاهرا از قفقاز جنوبی‏ سرچشمه گرفته است ولی در همین حال شباهت به‏ تمدن دانمارک دارد.و از سوی دیگر به سرامیک آلمان‏ (مرکزی)و لهستان نزدیکتر است.

ارمنستان روسیه همچنین مملو از نکروپل(20)است‏ که بیانگر عبور از مرحله صنعت برنز به آهن می‏باشد. در دلمن‏های این ناحیه آثاری از هر دو فلز(آهن و برنز)یافت شده است.در سال 1871 میلادی در نزدیک تفلیس حفاریهایی صورت گرفته که در آنها آثار بسیار زیادی از برنز به دست آورده‏اند.

اما این موضوع که تمدن دوره فلز از شرق به اروپا آمده است از نظر مطالعات هنری ما چندان اهمیتی‏ ندارد.مگر اینکه در نظر داشته باشیم این فلزات نقوش‏ تزئینی را به عنوان یک اثر هنری نیز همراه خود به اروپا آورده باشند.لذا اگر در نظر داشته باشیم که مس در چهار هزار سال قبل از میلاد مسیح در بین النهرین‏ شناخته شده است ولی در مصر همزمان با سلسله‏های‏ اول فراعنه،نمی‏توان مبدأ و منشأ شرقی این تمدن را نفی کرد.این تمدن به وسیله اقیانوس اطلس و ناحیهء بالکان تا غرب اروپا رخنه کرده و در عصر برنز شهرسازی اهمیت به سزایی می‏یابد.

از نمونه‏های جالب شهرسازی آن زمان شهری است‏ با مشخصات ذیل:

زمینی ذوزنقه‏ای شکل به مساحت تقریبی 20 هکتار به وسیله خندقی که سی متر عرض داشته و در آن آب‏ جاری روان بوده است.خانه‏های آن به طور منظم و جدای از هم قرار گرفته‏اند.در وسط نیز چاهکی برای‏ قربانی کردن ساخته‏اند که به یادگار افتتاح شهر صورت گرفته است.در عصر برنز معماری سنگی که در آن دوره(نئولتیک)دیدیم ادامه دارد.و در سه قارهء آسیا ،اروپا و آفریقا به چشم خورده است.دیوارهای بزرگ و بلند جزیره«ساردنی»و قسمتی از خانه‏های قلعه مانند آن بیانگر عصر برنز است.

نظر به اهمیت مذهب در دوره نئولتیک،دلمن‏ها و من هیرها از اهمیت فوق العاده‏ای برخوردار بودند.از روی بناهای سنگی بزرگی که به نام مگالی تیک(21) مشهور می‏باشند و به تعداد زیادی در سراسر آفریقای‏ شمالی و اروپای غربی و مغرب آسیا تا هند باقیمانده‏اند،می‏توان حدس زد که این ساختمانها برای گورستان و یا جهت انجام مراسم مذهبی به کار می‏رفته است.

گذشته از این،در این دوره به بناهایی بر می‏خوریم‏ که به نام«دلمن»و«من هیر»معروفند(افزون بر تریلیت‏ها و تب منیرها)و در کارناک واقع در برتانی‏ فرانسه،نمونه‏های زیادی از آنها دیده می‏شود و لفظ دلمن و من هیر هم از آن ناحیه گرفته شده است.

«من هیرها»به تخته سنگ‏هایی گفته می‏شوند که به‏ صورت قائم بر روی زمین استوار شده‏اند.بلندی این‏ سنگها متفاوت و بعضا از سه متر تجاوز می‏کند اما «دلمن»ها تخته‏سنگهای مسطحی هستند که روی سه‏ یا چهار«من هیر»قرار گرفته و به صورت میزی از سنگ‏ در آمده‏اند.بر پاره‏ای از دلمن‏ها نقوشی چون خورشید، مثلث و...حکاکی گردیده است.بعضی بر این‏ عقیده‏اند که این سنگها بقایای قربانگاهها با پرستشگاهها هستند.و نیز ممکن است که ترتیب قرار دادن این سنگهای بزرگ در ساختمانهایی که‏ باقیمانده‏اند مربوط به امور نجومی و فلکی باشد.همان‏ طور که شنایدر می‏گوید:شاید قرار دادن این سنگها با تقویم آن زمان ارتباط داشته باشد.برخی نیز عقیده‏ دارند که این سنگها به ویژه تعدادی از آنها که در ناحیه‏ «برتانی»فرانسه کشف شده،نشانه‏هایی از اعتقادات‏ مذهبی انسان عصر نئولتیک به شمار آید.

و او با خلق خدایانی برای خود از یک مبانی اخلاقی‏ پیروی می‏کرده است اما آنچه که شایان توجه‏ باستان‏شناسان است این که این آثار در کنار دیگر آثاری‏ چون تریلیت‏ها و تب منیرها از ارزنده‏ترین نمونه‏ معماری انسان عصر نئولتیک محسوب می‏شود.

بنابر این با یک اثر هنری و کار هنری توسط انسان‏ این عصر برخورد می‏کنیم.گوزن روی پاهای ظریف‏ خود حرکت می‏کند و در فضایی آبستره شاخهایش را تکان می‏دهد.«ماموت»با بدن بزرگ و متعادل خود بر روی پنجه‏های کوچکش زمین را می‏کند.مردان با کمان در حال تیراندازی و زنها در حال رقص به نمایش‏ در آمده‏اند.

لوله‏های کوچک از استخوان حیوانات و پرندگان‏ ساخته شده که دارای لبه‏ای صاف و سوراخهای جانبی‏ بوده و از طرف باستان‏شناسان فرانسوی به عنوان فلوت‏ یا نی تلقی شده است.رقص‏ها با توجه به رسوم و یا پرستش به صورت دسته جمعی(رقص گروهی در مراسم مذهبی)و یا تنها اجرا می‏شدند.

هنر اصلی پالئولتیک نقاشی است ولی به تنهایی‏ بیانگر نبوغ کامل انسان این دوره نمی‏تواند تلقی‏ گردد.انسان و حیوان از رو به رو پهلو نمایش داده‏ شده است.لیکن مبین مرحلهء متکاملتری نسبت به‏ ادوار قبل از خود می‏باشد و بیشتر این نقاشیها توسط انسانهای عصر مذکور در داخل غار و اغلب بر بدنه آنها صورت می‏گرفته است.و یا تصاویر نقاشی شدهء حیواناتی را شامل می‏شده که بشر آن روز به نحوی با آنان در ارتباط بوده و یا با آنان برخورد می‏کرده است.

بنابر این تکامل و تحول ابزار آلات در این دوره و کارآیی‏ آن شرایط مساعدتری جهت برتری انسان و غلبهء او بر طبیعت را فراهم نمود.از سنگ برای ساخت وسایلی‏ چون کارد،تبر و از استخوان نیز درفش و انواع ابزار آلات‏ ساخت.و از چوب نیز انواع نیزه‏ها پدید آورد و گر چه در ادوار بعد پیشرفتهای فنی صاعقه‏آسایی در زندگی‏ انسان آن عصر حاصل گردیده و به ویژه در عصر آنئولتیک پیشرفتهای چشمگیری در زمینه صیقل دادن‏ سنگ،زراعت،گله‏داری،کوزه‏گری و ساخت انواع‏ ظروف و حتی خانه‏سازی حاصل شده است.با این حال‏ این عصر-که آغاز و شروع هنر نمایی انسان پیش از تاریخ در پهنه کره خاکی محسوب می‏گردد-از جهاتی‏ زمینه‏های انقلاب نوسنگی در دیگر ادوار را مهیا ساخت.و بعد از عصر پالئولتیک است که بشر شاهد تحول سریع و تنوع زیاد در ادوات سنگی استخوانی، چوبی و...می‏گردد.

بنابر این می‏بینیم انسانی که تا دیروز مغلوب و اسیر طبیعت بود با کاربرد ابزار آلات متنوع سنگی،چوبی و استخوانی چگونه غلبه‏اش بر طبیعت آسانتر شد و این‏ نقطه آغازین حاکمیت بشر بر طبیعت گردید.

هنر دورهء نئولتیک

واژه نئولتیک از ترکیب دو کلمه یونانی oen به معنی‏ تازه و نو و otil یعنی سنگی گرفته شده است.در این‏ عصر فصل یخبندان جای خود را به گرما و رطوبت‏ می‏دهد.هوا برای زندگی انسان آماده‏تر و مساعدتر می‏گردد،«اروپا»شکل فعلی‏اش را می‏یابد و جنوب‏ اروپا به خصوص ایتالیا و فرانسه دارای دره‏های سبز می‏شوند.جنگلها و کوهها را سبزه می‏پوشاند و انسان‏ به خاطر امنیت جان خود به زندگی دسته‏جمعی روی‏ می‏آورد.دهکده‏هایی از کلبه‏های چوبین و سنگی بنا می‏کند.بین دهکده‏ها مزارعی جهت کشت و زرع‏ ساخته می‏شود.جاده و ارابه(هر چند بزرگ و خشن) ساخته و هنر قایقرانی در رودخانه با یخهای آب شده‏ صورت و شکل می‏گیرد.معماری طبیعی غارها دیگر انسانی را که به هوای آزاد و آفتاب خو کرده است اقناع‏ نمی‏کند و به عبارت دیگر خانه‏های مصنوعی و هنر معماری ظهور می‏کند.

یکی از صنایع مهم این دوره صنعت سفالگری و سفال‏سازی و کاشیکاری است.چون این صنعت هم‏ معماری است و هم هنر مجسمه‏سازی،یعنی مثل یک‏ مجسمه با دست مدل آن را می‏سازد.و در طبیعت نظیر آن وجود ندارد.ولی مثل معماری آبستره هستند که از کار و نیاز و سلیقه به وجود می‏آیند.این‏ «استیلیز اسیون(22)هرگز مفهوم زندگی را کنار نمی‏گذارد.نقاشیهای سنگی دوره نئولتیک بسیار آزاد و زنده هستند.تنوع بسیار زیادی در حرکات آنها دیده‏ می‏شود.برخی در حال نشسته بوده،بعضی در حال‏ پریدن و دویدن و برخی نیز در حال شکار کردن با تیر و کمان.سبک طراحی خط مانند حرکات ظریف و زیبا لطف خاصی می‏دهد.

مجسمه‏های نئولتیک بسیار بسیار کم وجود داشتند.گذشته از ظروف سفالین تخته سنگهای‏ خشنی که به طور عمودی روی زمین کار می‏گذاشته و روی آنها را حکاکی و برشهایی می‏دادند که به طور تقریب و«شماتیک»هیکل انسان را مجسم می‏کردند. از این تخته سنگها که به طرز عمودی کار گذاشته‏ می‏شدند تپ منیر(23)که شکل هندسی داشته و قبور را تشکیل می‏دادند مشخص و مجزا می‏شوند«تب‏ منیرها»به تعداد زیاد در کارناک(دهکده‏ای در فرانسه)یافت شده است.اغلب آنها تنها نبوده و به‏ تعداد زیاد و موازی هم مانند ردیفهای درختکاری در مزارع به طور منظم قرار می‏گرفته‏اند.و گاهی مثل‏ درخت کنار خیابان راهی را میان خود تشکیل‏ می‏دادند که در مواردی به میدانی دایره‏ای شکل از «منیرها»ختم می‏شوند.در این حالت شبیه به‏ مجسمه‏های چینی هستند که در اطراف راه طویل قبور مردگان قرار می‏گرفته‏اند.

البته نوعی دیگر از سبک معماری فوق را در نمای‏ تریلیت‏ها می‏بینیم.تریلیت‏ها دارای دو پایه سنگی‏ بودند که روی آن یک تخته سنگ افقی قرار گرفته و به‏ نام«سر سنگی»نامیده می‏شدند.عصر نئولتیک از هزارهء ششم قبل از میلاد شروع شده و ظاهرا در خاور نزدیک که منشأ و مرکز حیوانات وحشی و یا رام شدنی‏ بود ظهور کرد.در هزاره پنجم تقریبا تمدن نئولتیک در سراسر دنیا منتشر شده و این دوره‏ای است که به تمدن‏ «جار مو»،«باداری»و«آماری»معروف می‏باشد.و سر انجام در هزاره چهارم پیش از میلاد منشأ اکتشافات‏ چشمگیری می‏گردد.چرا که متذکر شدیم در طی این‏ دوره افزون بر تهیه و استفاده از دست افزارهای ساده‏ سنگی که البته به مراتب بهتر و کار آتر از سابق‏ (پالئولتیک)تهیه می‏شده و با تغییراتی که انسان بدان‏ بخشید در نحوه عملکرد آنها نیز تغییراتی به وجود آورد. برخی از این ابزار آلات جنبهء تقریبا تخصصی‏تری به‏ خود گرفت از جمله دسته هاونها و سنگ‏ساب و هاون‏ و ابزار آلات سنگی دیگر را می‏توان نام برد.

بنابر این در می‏یابیم که یک انقلاب اقتصادی و صنعتی(البته نه به مفهوم انقلاب صنعتی عصر کنونی) و اجتماعی توانسته اجتماعات ادوار پالئولتیک و مزئولتیک را از بن بست نجات دهد و این تحول نیز در عصر نئولتیک به وقوع پیوست چرا که از این زمان به‏ بعد تأثیر انسان در طبیعت هویداتر و تلاشش برای‏ بهره‏برداری بیشتر از آن مضاعفتر می‏گردد.و این مهم‏ نیز بدون دستیابی به تکنولوژی برتر آن عصر حاصل‏ نگردیده است و اینجاست که اختلاف میان تجهیزات‏ مردم نئولتیک با پالئولتیک‏ها و مزئولتیک‏ها آشکار می‏شود.

از نقطه نظر پیشرفت و تنوعی که در تکنولوژی‏ ابزاری در این دوره حاصل شد مجموعهء جدیدی‏ تشکیل گردید که بر اساس آن مجموعه،به این دوره نام‏ نوسنگی نیز داده شد.پروفسور گوردون چایلد آثار و بقایای فرهنگی این دوره را در تمام منطقه خاور نزدیک‏ به دقت بررسی نمود و در سال 1936 میلادی این‏ دوره را انقلاب و آن هم انقلابی در فرهنگ انسانی‏ توجیه کرده و آن را سر انجام انقلاب نوسنگی نامید.به‏ عقیدهء ایشان این همان دوره‏ای است که انسان در طی‏ مراحلش یکجا نشینی را بر تردد و حرکت به این سو و آن سو برگزید و لذا چهار ویژگی عمده نیز برای آن قائل‏ می‏شود که عبارتند از:

1-نو بودن این دوره نسبت به ادوار قبل

2-تهیه و کاربرد ابزار و وسایل سنگی متنوع‏تر و تخصصی‏تر

3-تولید غذا

4-استقرار متناسب با تولید غذا و تولید و مصرف‏ سفال

اما اینکه چابلد معتقد است انسان از این زمان پرده از انقلاب نئولتیک برداشته و خویش را از قید محیط و اطراف بسته‏اش که در عین حال اسیر و طفیلی آن بوده‏ آزاد می‏سازد جای بحث دارد.چرا که کاربرد ابزارآلات‏ سنگی البته نه در حد و مقایسه با این عصر،در دورهء پالئولتیک بیانگر آغاز مبارزهء انسان با طبیعت و موجودات محیط وی بوده است پس می‏توان عصر پالئولتیک را نقطه و آغاز مبارزه انسان پیش از تاریخ‏ دانست.

و باز مشاهده می‏کنیم که در عصر نئولتیک پیشرفت‏ صنعت تراش موجب کارآیی شدن ابزار سنگی‏ می‏گردد.انسان با پختن گل رس ظروف سفالین و ملزومات آرایشی گوناگونی می‏سازد.و با پیشرفت‏ صنعت،بازرگانی و داد و ستد کالا رونق می‏یابد.درباره‏ مسکن نیز تغییراتی قابل توجه ظهور کرده.از غار جسته.و کلبه‏ای از گل و شاخ و برگ درختان می‏سازد. و سرانجام دهکده ساخته می‏شود و گرداگرد آن را خندق یا حصار نرده مانند و یا دیواری از سنگ می‏سازد تا از هجوم دیگران و یا حیوانات وحشی در امان بماند.و افزون بر آن نقاطی که به دریاچه بر می‏خورد از این‏ جهت که جایگاهش امنیت بیشتری داشته باشد تیرهای چوبی به طول پنج الی شش متر که با سنگ یا آتش نوک آن را تیز نموده‏اند و در زمینهای باتلاقی فرو نموده و گاها روی این تیرها سکوهایی به طول یک یا دو متر می‏ساخته که این بناها به بناهای دریاچه‏ای یا مزدالی مشهورند.

تعدادی از این خانه‏ها توسط باستان‏شناسان دریاچه‏ زوریخ سوئیس کشف گردیده است.نمونه‏های دیگری‏ نیز در کشورهای فرانسه،ایتالیا،انگلستان،روسیه، آمریکای شمالی و هندوستان نیز پیدا شده است.

تاریخ شرقی این نوع معماری در آسیا به 000/10 سال و در اروپا به 5000 سال پیش از میلاد می‏رسد.

هر چند که حفریات و کاوشهای علمی باستان‏شناسی‏ در آینده شاید تا حدودی این نظریه را زیر سؤال ببرد ولی آنچه که تا کنون با توجه به مدارک و اسناد موجود در حفاریها به دست آمده صحت این نظریه را تأیید می‏کند.

با آنکه صحبت از مذهب در دورهء نئولتیک شاید چندان صحیح و معقول به نظر نیاید،لیکن باید دانست‏ که مردم این دوره نیز چون نیاکان خود به یک‏ ایدئولوژی نیاز داشته‏اند.آنان اموات را در مقبره‏های‏ واقعی یا در خانه و اطراف آن به خاک می‏سپاردند که با مراسم با شکوهتر از دوره پالئولتیک صورت می‏گرفت.

مجامع نئولتیک در مصر،سوریه،ایران،و ممالک‏ ساحلی مدیترانه،جنوب اروپا و حتی انگلیس‏ مجسمه‏های کوچکی از«ربة النوع»مادر با گل رس‏ می‏ساختند که نشانهء الهه باروری و بارداری محسوب‏ می‏گردید.به رغم پیشرفتهای علمی که به جلوگیری از قهر طبیعت کمک می‏کرد،این مجامع باز هم به‏ افسونگری متوسل می‏شدند.مردم مریمده(24)و سکنه‏ اطراف مدیترانه طلسم می‏ساخته و قربانی می‏کردند و به گفته تور نوالد مجامع پیشه‏وری اهمیت زیادی به‏ اعمال ساحرانه می‏دادند.پرستش شاهان در دورهء بعد تا حد خدایی از این عصر گرفته شده است.بدین‏ مفهوم که قربانی کردن یک زندانی یا برگزاری‏ تشریفات ظاهری دارای همان خاصیتی است که از کشتن سلطان گندم حاصل می‏شد.از این پس پادشاه‏ گندم عنوان پادشاه غیر روحانی به خود گرفت و وظایف‏ یک فرمانده جنگی را نیز انجام می‏داد.همین امر منشأ خدایی پادشاهان را در آغاز ازمنهء تاریخی که آثار آن به‏ چشم می‏خورد را مسلم می‏دارد.که نمودارترین این‏

تیر آهنی و مفرغی‏ منشأ را در بین فراعنه مصر می‏توان یافت.مزارع اغلب‏ محل دفاع علیه حمله دزدان دریایی بوده است.در قبور این دوره در«ساردنی»مجسمه‏های کوچک برنزی‏ یافت شده است که اولین مجسمه‏هایی در تاریخ هنر هستند که ملبس می‏باشند.

دورهء نئولتیک با تریلیت‏ها و دلمن‏های خود دنیا را خیره نموده و عصر برنز زمان خود را با ذوب کردن و خالص کردن و کوبیدن مواد قیمتی می‏گذراند و به‏ قول نویسنده ایتالیایی تتا آوا برای خشنودی و زجر انسان از دل زمین کنده می‏شدند.

با نام تمدن آهن به گروهی از فرهنگها اشاره می‏شود که پیش از عصر برنز مهم و به هم نزدیکتر است.مردمانی که تا آن زمان تاریخی نداشتند و در مرکز شمال اروپا سکنی می‏گزیدند.

از جمله آثار جالب این دوره سرامیکهای شوش‏ هستند که به دو دسته تقسیم می‏شوند:

1-شوش اول-نئولتیک:فرم ساده به سه شکل‏ جام،لیوان و تنگ.

2-شوش دوم-آنئولتیک:ظروف جداری ضخیم، نقوش هندسی و شکل حیوانات در این مرحله کمتر «استلیزه»می‏باشد.

موزهء لوور مجموع تقریبا کاملی از این آثار را در خود جای داده است که توسط مرگان کشف گردیده است.

پی‏نوشت:

(1)- surozatcI

(2)- sorozolagoM

(3)- surozotnoroB

(4)- cihtilocalaP

(5)- cihtiloeN

(6)- cihtilocnA

(7)- matotopyH

(8)- suresonihR

(9)- noiladgimA

(01)- edpyoC tnioP

(11)- ccilA

(21)- rebododoT

(31)- etitgalatsE

(41)- etitgalatsE

(51)- engaterB

(61)- aitilirT

(71)- rinampeT

(81)- ikitatS

(91)- ksortA

(02)- loporkeN

(12)- ccihitilageM

(22)- ilitsE noisaZ

منابع:

1-«تاریخ ده هزار ساله ایران»،عبد العظیم رضایی جلد 2 و 1.

2- ED nagrlM ocaJ kroywennanciratsinevP.seug 5291.

3- num.A-T.dlakciR -siatamdna 1-76- kroywen 2391.

4-«کلیات تاریخ عمومی»،جلد اول،دکتر حسینعلی ممتحن، 1370،انتشارات شهید بهشتی.

5-«ایران در عهد باستان»،دکتر محمد جواد مشکور،انتشارات‏ اشرفی.

6-«نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی»،دکتر کیانی.

7-«معماری ایران دوره اسلامی»،دکتر کیانی

8-«تاریخ جهانی»،ترجمه احمد بهمنش،ج 1 ص 37-38.

9-«تاریخ جامع ادیان»،جان بی‏ناس.

10-«خلاصه تاریخ هنر»،پرویز مرزبان

11-«بین النهرین و ایران باستان»،مالوان،ترجمه رضا مستوفی.

12-«تاریخ ملل قدیم آسیای غربی»،احمد بهمنش،انتشارات‏ دانشگاه تهران،چاپ چهارم.

13-«مجله باستان‏شناسی»،شماره 8 و 9 اسفند 69.

14-«سیر تاریخ»،اثر گوردن چایلد،ترجمه دکتر بهمنش،چاپ‏ انتشارات دانشگاه تهران.

15-مقاله«جزوه بین النهرین»،دکتر ملک شهمیر زادی

16-«تاریخ ملل شرق و یونان»،اثر آلبر ماله و ژول ایزاک

17-«جزیره خارک»،نوشته سر فراز

18-«تمدین هیتی‏ها»،اثر کنشو،ص 40.

19-«کلیات تاریخ و تمدن ایران پیش از اسلام»،تألیف دکتر عزیز الله بیات.

20-«ایران از آغاز تا اسلام»،گیرشمن.

21-«در آمدی کوتاه بر باستان شناسی»،تألیف گوردن چایلد، ترجمه هایده معیری.

22-«تمدنهای اولیه و باستان‏شناسی و خاستگاه آنها»،تألیف‏ گلین دانیل،ترجمه هایده معیری،انتشارات تحقیقات فرهنگی.